بسمه تعالی

**موضوع**: کیفیت تسبیحات در رکعتین أخیرتین /قرائت /صلاه

فهرست مطالب:

[بررسی احتیاط در سه مرتبه خواندن تسبیحات 1](#_Toc126767309)

[بررسی اصل عملی در صورت شک در مسئله 2](#_Toc126767310)

[تعجب از احتیاط مطرح در کلام شهید صدر 3](#_Toc126767311)

[بررسی فرمایش آیت الله سیستانی مبنی بر عدم جواز قصد استحباب در دو مرتبه 3](#_Toc126767312)

[مختار استاد در مسئله 4](#_Toc126767313)

[وظیفه مکلف در صورت عجز از قرائت تسبیحات کامل 5](#_Toc126767314)

[مسئله 1: فرض نسیان حمد در دو رکعت اول 6](#_Toc126767315)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته اقوال مختلف در باب کیفیت تسبیحات اربعه مطرح گردید که نسبت به برخی از آن ها بحث مفصل سندی صورت گرفت. در این جلسه بعد از اتمام بحث کیفیت تسبیحات به ادامه فرمایشات صاحب عروه پرداخته می شود.

## بررسی احتیاط در سه مرتبه خواندن تسبیحات

بحث در کیفیت تسبیحات در رکعت سوم و چهارم بود که عرض شد قول مشهور متأخرین از جمله سید یزدی کفایت تسبیحات اربعه مرۀ واحده است که این مقدار اقل واجب است، لکن أحوط این است که سه بار خوانده شود که مسلم مجزی است:

« يتخير بين قراءة الحمد أو التسبيحات الأربعة و هي سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر و الأقوى إجزاء المرة و الأحوط الثلاث و الأولى إضافة الاستغفار إليها و لو بأن يقول اللهم اغفر لي»[[1]](#footnote-1)

 صاحب عروه این احتیاط را مستحب می داند، ولی برخی مثل مرحوم آیت الله بروجردی، شهید صدر در تعلیقه منهاج، مرحوم آیت الله خوانساری احتیاط واجب کرده اند[[2]](#footnote-2). وجه این احتیاط وجوبی برای ما معلوم نیست. آیت الله بروجردی قبول دارند که روایت محمد بن اسماعیل از زرارۀ، دارای سند صحیح است و دال بر کفایت تسبیحات اربعه مرۀ واحده است و قبول دارند که این کافی برای فتوای به کفایت مرۀ واحده است ولی با این حال احتیاط واجب مطرح کرده اند و در تقریرات مسئله را محل اشکال دانسته اند. البته ایشان خیلی به نهایه شیخ طوسی اهمیت می دهد و قائل است که نهایه شیخ طوسی با مبسوط فرق می کند؛ زیرا نهایه بر اساس روایات بوده است. شیخ در نهایه فرموده است که سه بار تسبیحات اربعه گفته شود[[3]](#footnote-3)، ولی خود شیخ در کتب دیگر خود خلاف این مطلب را فرموده اند.

## بررسی اصل عملی در صورت شک در مسئله

بلی، اگر نوبت به اصل عملی برسد، مقداری اجرای اصل برائت به نظر این آقایان مشکل می شود؛ توضیح اینکه:

چند نظریه در باب اصل عملی در مقام قابل طرح است:

1. طبق نظریه مشهور، در رکعت سوم و چهارم واجب، واجب تخییری است، عدل این واجب تخییری نمی دانیم که تسبیحات اربعه یک دفعه است یا سه دفعه است، یعنی شک در اقل و اکثر در عدل واجب تخییری می شود. مشهور دچار مشکل می شوند. طبق نظر کسانی که معتقدند که در واجب تخییری وجوب هر عدلی ثابت است و اتیان به عدل دیگر مسقط آن وجوب است، شک در مسقط می کنیم. یعنی شک می کنیم که مسقط وجوب قرائت در رکعتین اخیرتین سه بار تسبیحات است یا یک بار است، شک در مسقط می شود و مجرای قاعده اشتغال (به نظر مشهور) است.
2. آیت الله سیستانی که معتقدند در واجب تخییری عنوان احدهما واجب است، نمی دانیم که عنوان احدهما انتزاع از سورۀ حمد و تسبیحات اربعه یک دفعه شده است یا اینکه انتزاع از سورۀ حمد و تسبیحات سه بار شده است، ایشان نیز می فرمایند علم اجمالی داریم که یکی از این دو تا واجب است، علم تفصیلی به وجوب اقل نداریم. لذا اقل و اکثر ارتباطی نیست، بلی، اگر خصوص تسبیحات اربعه واجب بود و سورۀ حمد مطرح نبود اقل و اکثر بود، زیرا می گفتیم یک بار گفتن قطعا واجب است و بقیه آن شک در زائد است، اما اگر گفتیم که واجب تخییری است و عنوان احدهما واجب است، نمی دانیم که این عنوان احدهما مشیر به حمد و تسبیحات اربعه یک دفعه است، یا اینکه احدهمای دیگر واجب است که مشیر به قرائت سورۀ حمد و تسبیحات اربعه ثلاث مرات است، لذا ایشان نیز اگر نوبت به اصل عملی می رسید اصالۀ الاحتیاط را قائل می شدند.
3. نظریه مختار: ما در هر صورت قائل به برائت هستیم. حتی در عدل واجب تخییری اگر در اصل وجوب تعیینی و تخییری شک کنیم برائت از تعیینی جاری می کنیم. در عدل آن نیز برائت از وجوب اکثر جاری می کنیم، نمی دانیم که عدل عتق رقبه آیا صوم شصت روز است یا سی روز است، برائت از وجوب جامع بین عتق رقبه و صوم ستین یوما جاری می شود؛ زیرا برائت از وجوب جامع بین عتق و روزه سی روز اثری ندارد؛ زیرا اگر آن را ترک کند مخالفت قطعیه می شود.

آیت الله سیستانی فکر این مطلب را کرده و معتقد است که اصل برائت از اطراف علم اجمالی منصرف است؛ لذا باید به ایشان گفته شود که عرف این مطلب را علم اجمالی نمی بیند. اصل اینکه یا عتق رقبه واجب است یا صوم، این معلوم است اما وجوب مازاد بر سی روز روزه گرفتن مشکوک است وعرفا این علم اجمالی نیست. باید به آیت الله سیستانی اینطور اشکال شود یا اینکه گفته شود که اصل برائت از این مواردی که یک طرف مقتضی جریان برائت دارد منصرف نیست، که ایشان این مطلب را قبول نمی کند.

پس نوبت اگر به اصل عملی برسد، ما برائتی هستیم ولی ممکن است که مشهور اشکال کنند وا حتیاط را قائل شوند. ولی اصلا نوبت به اصل عملی نمی رسد؛ زیرا خود روایت زرارۀ را محقق بروجردی قبول داشت.

### تعجب از احتیاط مطرح در کلام شهید صدر

از شهید صدر نیز تعجب است که احتیاط واجب را طرح کرده اند. دلیل بر سه مرتبه تسبیحات گفتن، یا فقه الرضا است که ایشان فقه الرضا را قبول ندارند یا نقل سرائر است که خودش نیز معارض با نقل خود سرائر در مستطرفات است (که الله اکبر را ندارد) و ایشان قبول ندارد. بلی، سیره بر گفتن سه بار گفتن بوده است ولی از باب استحباب است، مثل سیره بر قنوت در نماز می ماند. شهید صدر مشکلی با اصل برائت نیز ندارد، لذا تعجب است که ایشان احتیاط واجب را مطرح کرده اند. احتیاط یک وقت کار دل است، گاهی کار فن است، احتیاط های شهید صدر کار فن بوده است، کار دلی نبوده است. یک نکته فنی در احتیاط های ایشان بود، لذا می گوییم تعجب است که ایشان چرا اینجا احتیاط را مطرح کرده اند. اگر ایشان در سند روایت محمد بن اسماعیل نیز مناقشه می کرد، مهم این است که تسبیحات اربعه ثلاث مرات دلیل معتبر ندارد. روایتی که رجاء بن ابی ضحاک از سیره امام رضا علیه السلام نقل می کرد، حکایت فعل است و دلیل بر وجوب نیست.

### بررسی فرمایش آیت الله سیستانی مبنی بر عدم جواز قصد استحباب در دو مرتبه

نکته دیگر اینکه در رساله جامع از آیت الله سیستانی نقل شده است[[4]](#footnote-4) که اگر سه بار تسبیحات اربعه گفته شود می تواند قصد استحباب کند، ولی اگر دو بار تسبیحات بگوید، بار دوم باید به قصد ذکر مطلق باشد. قصد استحباب خاص نباید بشود.

عرض می کنیم که وقتی شما می فرمایید دلیل معتبر بر استحباب سه بار نداریم، پس سه بار هم نباید قصد استحباب شود. دلیل گفتن سه بار روایت رجاء و فقه الرضا بود که ضعیف بودند، روایت سرائر نیز هم سند نداشت و هم معارض داشت، پس استحباب سه بار نیز ثابت نیست و آن هم باید به قصد ذکر مطلق گفته شود.

مگر اینکه اینطور دلیل آورده شود که به خاطر سیره مستمره اصل استحباب سه بار گفتن واضح است، آیا می توان سیره مستمره متصل به عصر معصومین را ثابت کرد یا خیر؟ خیلی واضح نیست. روایات من بلغ نیز دلیل بر استحباب نیست و ایشان قائل است که دلیل بر حسن احتیاط است. ایشان اشکالات دیگری نیز بر اخبار من بلغ دارند که یکی از آن ها این است که در روایات من بلغ آمده است: «مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ الْتِمَاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ أُوتِيَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَه‏»[[5]](#footnote-5) اصل استحباب باید ثابت شود و اخبار من بلغ می گویند اگر آن استحباب را انجام دادید به قصد بردن ثواب آن ها، به شما وعده می دهند که آن ثواب را روز قیامت به شما خواهند داد.

## مختار استاد در مسئله

محقق خویی نیز در موسوعه تعبیری دارند که می فرمایند صحیحه زرارۀ که تسبیحات اربعه را مرۀ واحده مطرح کرده بود، می توان با این روایت قول به وجوب تسع تسبیحات را که در صحیحه دیگر زرارۀ بود رفع ید کنیم و آن را حمل بر استحباب کنیم[[6]](#footnote-6). این فرمایش نیز به نظر ما اشکال دارد؛ حمل بر وجوب تخییری که در جای دیگر فرموده اید درست است، ولی حمل بر استحباب وجهی ندارد؛ زیرا روایت دال بر تسع تسبیحات می گفت« سبحان الله و الحمدلله و لاإله الا الله» صحیحه زرارۀ در کافی تعبیر الله اکبر را نیز داشت، اصلا آن صحیحه زرارۀ در من لایحضره الفقیه الله اکبر نداشت. چطور می توان آن را حمل بر استحباب کرد؟ بلی، می توان گفت که واجب تخییری است ولی انتخاب این عدل افضل است؛ زیرا افضل العبادات احمزها، نه اینکه تعبیر به حمل بر استحباب شود. اینطور تعبیر فنی نیست. کلام ما با محقق خویی است که انسان فنی است.

خلاصه مختار ما در این مسئله این بود که اصراری نداریم که ظهور خطابات بر تخییر است، عرض ما این است که بیش از این نمی توان حجت اقامه کرد که شخص مخیر بین پنج صورت است:

1. روایت زرارۀ در من لایحضره الفقیه، تسع تسبیحات را مطرح کرد[[7]](#footnote-7).
2. کیفیت دوم روایت محمد بن اسماعیل است که بعید نیست وثوق به اعتبار سند آن پیدا شود که می گفت تسبیحات اربعه یک بار گفته شود[[8]](#footnote-8).
3. کیفیت سوم صحیحه دیگر زرارۀ است که می گفت: «لیس فیهن القرائۀ إنما هو تسبیح و تهلیل و تحمید و دعاء» محقق همدانی این روایت را حمل بر أو کرده است، در حالی که ظاهر واو جمع است و به معنای أو نیست.
4. کیفیت چهارم صحیحه حلبی است که الحمدلله و سبحان الله و الله اکبر بود[[9]](#footnote-9).
5. .کیفیت پنجم صحیحه عبید است. « تُسَبِّحُ وَ تُحَمِّدُ اللَّهَ وَ تَسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَ إِنْ شِئْتَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَإِنَّهَا تَحْمِيدٌ وَ دُعَاءٌ»[[10]](#footnote-10) البته ظاهر این روایت عبید وجوب را نمی رساند ولی مجزی بودن را می رساند.

مظنون ما این است که یک بار سبحان الله مجزی باشد، ولی فتوای به آن مشکل است، آیت الله سیستانی نیز فتوا نمی دهند ولی در بحث استدلالی می فرمایند که مقتضای صناعت این است، ما می گوییم مقتضای صناعت نیست، اگر احتمال وجوب تخییری بدهیم نمی توانیم خصوصیات عدل ها را الغاء کنیم و بگوییم که جامع سبحان الله را بگوید. روایت سه سبحان الله نیز روایت وهیب بود که معتبر نبود.

## وظیفه مکلف در صورت عجز از قرائت تسبیحات کامل

در ادامه صاحب عروه فرموده اند:

«و من لا يستطيع يأتي بالممكن منها و إلا أتى بالذكر المطلق و إن كان قادرا على قراءة الحمد تعينت حينئذ‌[[11]](#footnote-11)»

حرف درستی است؛ زیرا محقق خویی فرموده اند که در تسبیحات همین چند چیز واجب است که عبارت بودند از تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر، حال اگر کسی عاجز از تکبیر شود، باید بقیه را بگوید؛ زیرا این ها چند چیز مستقل هستند. عجز از یک جزء موجب سقوط جزء دیگر نیست، ولی بعد می فرماید: اگر از همه ی این ها عاجز شد ذکر مطلق بگوید، مثل اینکه مثلا یک «یاهو» بگوید.

به نظر ما دلیلی بر این مطلب وجود ندارد. دلیلی بر ذکر مطلق وجود ندارد، «إن شئت فاذکر الله» اطلاق نداشت؛ به قرینه مقابل که در مقابل گفته بود «ان شئت فسبحت» اگر کسی از عنوان تسبیح عاجز بود، معلوم نیست که مطلق ذکر بر وی واجب باشد. عنوان تسبیح بود که معتبر بود. در روایت عبدالله بن سنان نیز آمده است:

« الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ مِنَ الصَّلَاةِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ أَ لَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ لَا يُحْسِنُ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ أَجْزَأَهُ أَنْ يُكَبِّرَ وَ يُسَبِّحَ وَ يُصَلِّيَ»[[12]](#footnote-12)

عنوان تسبیح آمده است. دلیل «الصلاۀ لاتسقط بحال» می گوید که نماز ساقط نمی شود، اگر تکبیر و تسبیح و غیره مورد عجز واقع شدند، این ها ساقط می شود، دلیل داریم که نماز ساقط نمی شود، وقتی نتوانستیم تسبیح بگوییم همان تسبیح ساقط می شود. بعد ازاینکه دلیل «الصلاۀ لاتسقط بحال» آمد، مقداری که عاجز هستیم از جزئیت می افتد و باقی آن در جزئیت باقی می ماند. اطلاق دلیلی که می گفت «ٌ إِنَّمَا هُوَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ دُعَاء»[[13]](#footnote-13) شامل می شود. دلیل ارشاد به جزئیت اطلاق نسبت به هر نماز مأمور به دارد، ولو این نماز مأمور به در حال اضطرار باشد. اگر کسی عاجز از تشهد می شود باید سجده کند، زیرا مستقل از هم هستند، در مقام نیز ظاهرشان استقلال از هم است. همه در نماز واجب هستند ولی در اجزای نماز از همدیگر مستقل هستند یعنی عنوانی غیر از دیگری دارند. عجز از یکی موجب سقوط دیگری نمی شود. حال اگر کسی بگوید که من از تسبیح عاجز هستم، ولی سورۀ حمد می توانم بخوانم، بدیهی است که قرائت حمد واجب می شود؛ زیرا عدل آن است.

# مسئله 1: فرض نسیان حمد در دو رکعت اول

مرحوم سید در ادامه مسائل می فرماید:

«إذا نسي الحمد في الركعتين الأولتين‌فالأحوط اختيار قراءته في الأخيرتين- لكن الأقوى بقاء التخيير بينه و بين التسبيحات»[[14]](#footnote-14)

فرض این است که شخص در رکعت اول فراموش می کند، در رکعت دوم نیز فراموش می کند، برخی از روایات گفته اند که در رکعت سوم و چهارم سورّۀ حمد خوانده شود؛ لذا صاحب عروه می گوید: احوط اختیار قرائت حمد در اخیرتین است، ولی این احتیاط واجب نیست. محقق نایینی این احتیاط را واجب دانسته اند؛ زیرا صحیحه معاویۀ بن وهب و صحیحه زرارۀ تعبیر «یقضی» آمده است و همینطور روایت حسین بن حماد چنین است:

« وَ رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ لَهُ أَسْهُو عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى قَالَ اقْرَأْ فِي الثَّانِيَةِ- قَالَ قُلْتُ أَسْهُو فِي الثَّانِيَةِ قَالَ اقْرَأْ فِي الثَّالِثَةِ قَالَ قُلْتُ أَسْهُو فِي صَلَاتِي كُلِّهَا فَقَالَ إِذَا حَفِظْتَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ»[[15]](#footnote-15)

به نظر ما به این روایات نمی توان عمل کرد؛ زیرا در صحیحه معاویۀ بن عمار آمده است:

« الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ الرَّجُلُ يَسْهُو عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ فَيَذْكُرُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ أَنَّهُ لَمْ يَقْرَأْ قَالَ أَتَمَّ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَجْعَلَ آخِرَ صَلَاتِي أَوَّلَهَا»[[16]](#footnote-16)

این روایت معارض با روایات است، به دلیل مخالفت با عامه مقدم می شود؛ زیرا عامه معتقد بودند که در رکعت سوم و چهارم حمد خوانده شود. اگر هم مقدم نشود رجوع به حدیث لاتعاد می شود که اعاده نماز را با عصیان قرائت در رکعت اول و دوم لازم نمی داند. اطلاقات نیز می گوید در رکعت سوم و چهارم مخیر بین تسبیح و فاتحۀ الکتاب هستید.

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص658.](http://lib.eshia.ir/10028/1/658/%D8%A7%D9%84%D8%AB%D9%84%D8%A7%D8%AB) [↑](#footnote-ref-1)
2. [العروة الوثقی (المحشی)، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج2، ص524.](http://lib.eshia.ir/10027/2/524/%D8%A7%D9%84%D8%AB%D9%84%D8%A7%D8%AB) [↑](#footnote-ref-2)
3. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص76.](http://lib.eshia.ir/10054/1/76/%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87) « و الرّكعتان الأخراوان من الفرائض يقتصر فيهما على الحمد وحدها أو ثلاث تسبيحات، يقول: «سبحان اللّه، و الحمد للّه، و لا إله إلا اللّه، و اللّه أكبر» ثلاث مرّات، أيّ‌ ذلك شاء، فعل مخيّرا له فيه». [↑](#footnote-ref-3)
4. . استاد: (البته این را عرض کنیم که ایشان یک بار سبحان الله را نیز از نظر بحث فنی کافی می داند). [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج2، ص87.](http://lib.eshia.ir/11005/2/87/%D8%A8%D9%84%D8%BA%D9%87) [↑](#footnote-ref-5)
6. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص464.](http://lib.eshia.ir/71334/14/464/%D8%A7%D9%84%D8%B5%D8%AD%DB%8C%D8%AD%D9%87) [↑](#footnote-ref-6)
7. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص392.](http://lib.eshia.ir/11021/1/392/%D8%AA%D8%B3%D8%B9) «وَ رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا تَقْرَأَنَّ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الْأَرْبَعِ الرَّكَعَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ شَيْئاً إِمَاماً كُنْتَ أَوْ غَيْرَ إِمَامٍ قَالَ قُلْتُ فَمَا أَقُولُ فِيهَا قَالَ إِنْ كُنْتَ إِمَاماً أَوْ وَحْدَكَ فَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تُكَمِّلُهُ تِسْعَ تَسْبِيحَاتٍ ثُمَّ تُكَبِّرُ وَ تَرْكَعُ» [↑](#footnote-ref-7)
8. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص319.](http://lib.eshia.ir/11005/3/319/%DB%8C%D8%AC%D8%B2%DB%8C) « مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع مَا يُجْزِئُ مِنَ الْقَوْلِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ قَالَ أَنْ تَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ تُكَبِّرُ وَ تَرْكَعُ» [↑](#footnote-ref-8)
9. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص99.](http://lib.eshia.ir/10083/2/99/%D9%82%D9%85%D8%AA) « سَعْدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قُمْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ لَا تَقْرَأْ فِيهِمَا فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص98.](http://lib.eshia.ir/10083/2/98/%D8%A7%D9%84%D8%B8%D9%87%D8%B1) [↑](#footnote-ref-10)
11. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص658.](http://lib.eshia.ir/10028/1/658/%D8%A8%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%85%DA%A9%D9%86) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص147.](http://lib.eshia.ir/10083/2/147/%D8%B1%D8%AC%D9%84%D8%A7) [↑](#footnote-ref-12)
13. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص273.](http://lib.eshia.ir/11005/3/273/%D8%AA%D8%B3%D8%A8%DB%8C%D8%AD) [↑](#footnote-ref-13)
14. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص658.](http://lib.eshia.ir/10028/1/658/%D9%86%D8%B3%DB%8C) [↑](#footnote-ref-14)
15. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص345.](http://lib.eshia.ir/11021/1/345/%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AA%DA%A9) [↑](#footnote-ref-15)
16. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص146.](http://lib.eshia.ir/10083/2/146/%D8%A7%D8%AC%D8%B9%D9%84) [↑](#footnote-ref-16)